

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۰ جولای ۲۰۱۳

اعتراف زبونانه صادق ظفر به هویت مبارزاتی این قلم



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

چون مهتاب شب چهارده جاغوری اکت و ادای آدمیت و آدم گری را در آورده است بناءً من هم با زبان خود صادق زخم صادق را مرهم می کنم.

تا «صادق» در جهان است، مفلس در نمی ماند!

«انجنیر» صادق ظفر بوقلمون رنگین و مجنون بی عقل و عقده ئی حقیر، در کمال ساده لوحی بیمار گونه حقایق را در مورد این قلم به نشر سپرده است که مایه سرافرازی و خوشنودی بیشترم واقع گردید. این حرکت «انجنیر» صادق ظفر نه تنها اتهامات قبلی اش را در رول های «ماتویست های افغانستان»، «سوم عقرب»، «شورش»، «یک تن از هواداران» و غیره به ضد این قلم نفی می کند بل تفی را که قبلاً در کمال نادانی و کودنی به هوا پرتاب داشته بود با سرعت غیر قابل تصور بر روی و دهن خودش دو باره فرود آمد. وی فعلاً در میان تف های خودش تقلاء نموده و با زیرکی و حيله گری خاص یک روباه کهنه پیخ و کهنه کار و اما نهایت سفله و خرد باخته، با این قلم احساس «هم دردی» و «محبت» نشان داده و گانندی وار هم مورد مذمت و سرزنش قرار می دهد و هم از موضع انقلابی ام بی خردانه حمایت می کند و هم چراغ سبز نشان می دهد که رفقای دیرینه ام را رها کرده به آغوش هزاره ایسم، چنگیزیسیم

باز هم charlatan شارلاتان به اسم «انجنیر» صادق ظفر را با حقه بازی اش بنگرید که با اثر عدم داشتن ضمیر، باز هم حقیقت آشکاری را می نویسد تا به زعم سادیستیکش این قلم را فریب داده اغوا، وسوسه، آزمایش و امتحان کند تا موضع و موقف سیاسی ام را تغییر دهد.

درحالی که به اعتبار و نام و نشان «بخش غرستان-ساما» با «ح ک م» پیوستم و توسط انجنیر - ن متقاعد ساخته شده بودم که رهبران ح ک م نقش پاشنه های ابر مرد بی بدیل مجید بزرگ را تعقیب می کنند و بنابر همین اصل با آنها پیوستم و اما در مدت کوتاهی دانستم که جاسوسانی از نام و اعتبار مبارزاتی (ساما) استفاده های سوء سیاسی می نمایند و کمونیسم و مانویسم و شعله جاوید را تنها و تنها پرده اهداف شوم شان قرار داده اند!!!
«انجنیر» صادق ظفر اقرار می دارد:

"موسی(احمد)[محمد-مامد]شهیدمامای میرویس محمودی که بدست باند جنایتکارسیاف به شهادت رسید. درحالیکه موسی شهیددراول شعله ای[شعله ئی] بود.موسی شعله ای باقی ماند. موسی باسرمدشهید کارتشکیلاتی میکرد. رفیق احمد شهید درساما باقی ماند!".....

ای نامردان و ناجوانمردان بزدل و دون صفت، پس به کسی که توسط «موسی» از صنف اول درس انسانیت و انقلاب داده شده است و بهترین ایام کودکی، نوجوانی و جوانی اش را در مبارزه برای توده های تحت ستم سپری داشته است و بر همه خواهشات نفسانی اش پا نهاده بود و در دوران تظاهرات متعلمان و محصلان حماسه ها آفرید و تسلیم سوسیال امپریالیسم و نوکران فاشیست بومی اش نگشت؛ چطور و چگونه حالا بر شمشیر خونچکان امپریالیسم بوسه می زند؟! مگر هر فردی که در کانادا و امریکا زیست کند، عامل امپریالیسم است؟

و دیالکتیک ماتریالیستی این جکیده دانش بشری که به وسیله «مارکس» کشف و تدوین گردید را که خاینانه نشخوار می کنید آیا بر اساس علم و منطق به وجود آمده است و یا بر مبنای ارمان گرائی، معنویت، خیال اندیشی و فال بینی؟! مگر باید و حتمی رقبای سیاسی را با چماق تهمت و افتراء کوبید و یا با منطق دیالکتیک به مصاف شان شافت؟
«انجنیر» صادق ظفر نامه ای را که به رهبریت «ح ک م» فرستاده بودم با بینش ارتجاعی اش و با انداختن رمل و فال بینی پیش گوئی می کند که:

"کبیرتوخی وقتی می بیند که بر میرویس "مسلط" شده او را تشویق میکندکه ازبرخی از هواداران حزب به رهبری شکایت کند. اوکه قبلا نیز از انجنیر "واحد" و "انجنیرقادر" دل خوشی نداشت به رهبری حزب چنین شکایت میکند!".
«انجنیر» صادق ظفر در جهت «اثبات» ادعایش، نامه ام را نشر می کند. اما نامه را نا مکمل و بدون تاریخ و بدون سال ارسال آن به دست نشر می سپارد؟!!

نخست بین من و «رفیق توخی» رابطه تشکیلاتی وجود نداشت و تا هنوز هم ندارد. «رفیق توخی» در هیچ مقطع زمانی در کار های سیاسی ام تشبث نکرده و در مسائل و تعلقاتم با «ح ک م» کوچکترین نوع مداخله ای را انجام نداده اند، چه رسد به وادار کردنم به شکایت از افراد؟! این یک اتهام بی شرفانه ای است که از عقده های شخصی و بی اساس سر چشمه گرفته و آثار سادیسم را در رفتار و کردار شخص تهمت کننده نمایان می سازد.

در مورد اعلامیه به ضد خادیسیت ها، من از «رفیق توخی» خواهش کردم که هم شعار "زنده باد مارکسیزم - لنینیزم- مانویزم! زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری! را در متن و هم در پایان اعلامیه اسم هواداران «ح ک م» را بنویسد و این یک حقیقت است. این که «انجنیر» صادق ظفر با زیرکی یک جاسوس کار کشته به زعم سادیستیکش، آب را آلوده می کند و می خواهد ماهی بگیرد و با این درامه سازی ها گویا روابط دوستانه و رفیقانه ام را با «رفیق توخی» به هم می

"میرویس محمودی به تعداد ۱۵۸ نسخه آن را کاپی و در شهر تورنتو و گلف پخش کرده بود. "؟؟؟!!!"

مقایسه فوقانی به وضاحت نشان می دهد که «انجنیر» صادق ظفر دروغگو است و دروغ می گوید و ما من حیث قیاس
گر قیاس می کنیم!!!

نمی دانم که چوچ و پوچش وی ۱ به چه اسمی صدا می زنند؟ شاید بابه دروغگو- آته حق باز و یا شیطان لعین و!!!.....
گفتار ضد و نقیض صادق کاذب را ببینید:

"میرویس محمودی که آن زمان صادقانه از حزب کمونیست هواداری میکرد!"

و بعد از مکثی می گوید:

**"حزب کمونیست افغانستان(م.ل.م) باید به هوادارانش دستور اکید میداد که تماس شانرا با میرویس محمودی قطع
کنند. "؟؟؟!!!"**

همه با هم به خاطر کودن بودن، لولو بودن و احمق بودن صادق ظفر یار غار حسین، یک خنده ههههههههههههه
من مثل شما سگان کثیف، فاشیست، هزاره ایست، چنگیزیست، خادیسست و وطن فروش، ملیت پرست نبوده و برایم فرقی
نمی کرد و نمی کند که تحت رهبری هزاره به خاطر مردم و میهن مبارزه کنم.

«انجنیر» صادق ظفر، یک مسأله مهم را از قید قلم پر «نورت» انداختی و نوشتی که این میرویس بود که ح ک م را در
سطح جهان معرفی کرد و در بین افغانها شهرتش داد. اما زمانی با ح ک م که دلالت برای رهبری ح ک م معلوم است
از همکاری با قید حفظ اسرار ح ک م بریدم.

اتهام بستن بر «رفیق توخی» ... خوردن در عمق بیت الخلاء و شنا در مرداب است که صادق ظفر مشغول این کار
کثیف می باشد.

«انجنیر» صادق ظفر!

تو و دوستانت که بعد از رسوائی دگروال جوهره آدم زنده ای نمی توانید بیابید تا با شما جواسیس خود را هم هویت نشان
دهد و همیشه می کوشید تا خود را از خ ... مرده ها آویزان نمائید، بیا لا اقل برای یک بار هم که شده هم شکایت خودت
و حسین را مبتنی بر تجاوز جنسی بر عیال تان از «بصیر اخگر- استاد اقبال» به صورت آشکار منتشر بسازید و هم
جواب پانزده صفحه ئی آن زنده یاد را. مطمئن باشید در مقایسه با معرفی نامه شما، مسؤولیت گیری شجاعانه خود استاد
اقبال شخصیت شما و جرأت وی را بیشتر و خوبتر بازتاب می دهد.

ما منتظر آن نشر نامه آنها به خط خودش می باشیم. فراموش نکنید که مه هم یک کاپی آن را در اختیار داریم و در وقت
لازم از نشر آن دریغ نخواهیم ورزید.